

در این درس با گروه دیگری از حروف آشنا می شویم که باز هم مخصوص فعل مضارعند و وقتی قبل از آن ها بیایند، هم ظاهر این افعال را تغییر می دهند هم ترجمه ایشان را. اسمشان حروف جازمه (جزم دهنده) است: لم، لا، لا

-ظاهرشان: ضمّه ی آخر فعل به ساکن تغییر پیدا می کند و نون ها هم حذف می شوند؛ باز هم جمع های مؤنث ثابت قدم می مانند!!

مانند: لم یکتب^۰ ، لا تکتب^۰ ، لا ُکتب^۰ ، لا ینکتب^۰ ، لا ینکتبن^۰ ، لا تکتبوا ، لا تکتبن^۰ ، لا تکتبوا ، لا تکتبن^۰ ، لا تکتبن^۰ (ننوشتید)
 نوشت ، نویس ، باید بنویسم ، نباید بنویسیم
 لم یکتبن^۰ (ننوشتند) ، لم تکتبن^۰ (ننوشتید)

-ترجمه ایشان:

هرکدام از این حروف معنای جدیدی به فعل می دهند که به تفصیل بیان می کنیم:

۱. **لم**: شرط صیغه ندارد و می تواند سر تمام صیغه ها و اشخاص فعل مضارع بیاید. ترجمه ی فعل مضارع را ترجیحاً به ماضی ساده ی منفی و گاهی به ماضی نقلی منفی تبدیل می کند.
 لم یکتب^۰: نوشت، نوشته است؛ لم تکتب^۰: نوشتی، نوشته ای
 لم تکتبا: نوشتید، نوشته اید؛ لم تکتبی: نوشتی، نوشته ای
 لم ُکتب^۰: نوشتم، نوشته ام؛ لم تکتب^۰: نوشتیم، نوشته ایم

۲. **لا**: فقط با اول شخص های مفرد و جمع و سوم شخص های مفرد و جمع می آید (وبا دوم شخص نمی آید).

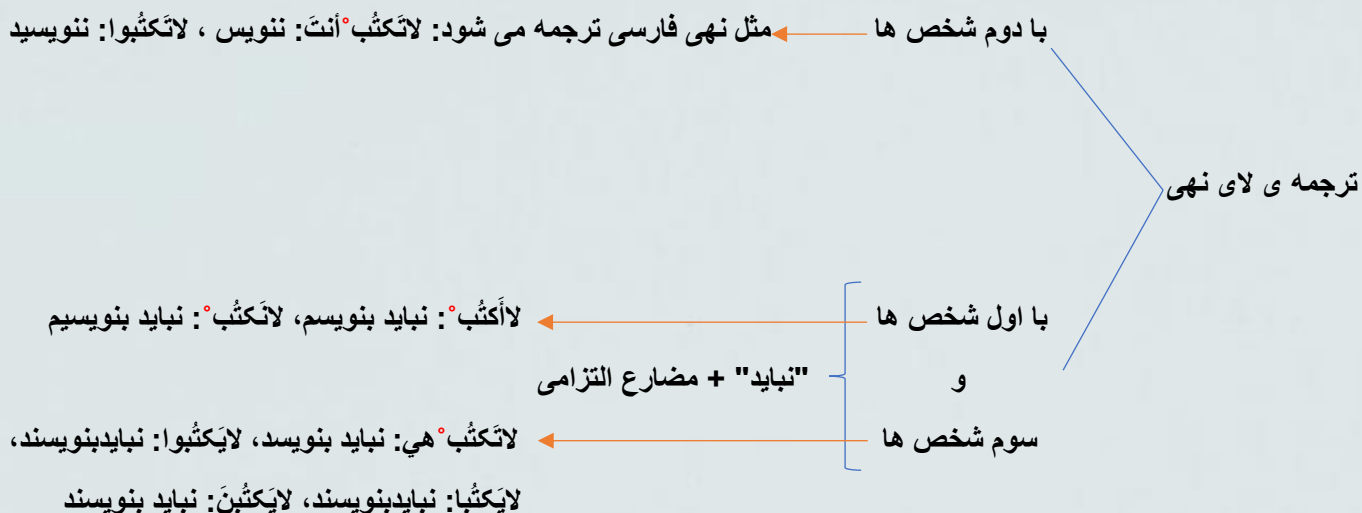
ترجمه: "باید" + مضارع التزامی

لیکتب^۰: باید بنویسد؛ لیکتبا: باید بنویسند؛ لا ُکتب^۰: باید بنویسند؛ لیکتبن^۰: باید بنویسند؛ لا ُکتب^۰: باید بنویسیم؛ لیکتب^۰: باید بنویسد (برای هی)

۳. **لاى نهى**: شرط صیغه ندارد و برای تمام صیغه ها و اشخاص به کار می رود (یعنی با تمام صیغه ها می تواند بیاید)، اما در

ترجمه متفاوت است:





جمع بندی: انواع لـ

- حرف جر: بر سر اسم می آید و به معنی "برای"، "مال"، "از آن"، "داشتن" است. للكتاب، للاستماع، له، لنا، لهذا، للتي و ..
- حرف ناصبه: بر سر تمام صیغه های فعل مضارع می آید و به معنی "برای این که" و "تا این که" است.
- حرف جازمه: بر سر اول شخص ها و سوم شخص های فعل مضارع می آید و به معنی "باید" است.

لأذهبُ إلى المكتبة. باید به کتابخانه بروم.

****توجه:** فرق اصلی لام ناصبه و جازمه این است که لام ناصبه دلیل کاری را بیان می کند و در جمله باید اتفاقی افتاده باشد یا بیفتد و با این لام دلیل آن کار بیان شود، اما لام جازمه دلیل کاری نیست. مانند مثال های بالا: دلیل به بازار رفتن، خرید کتاب است.



فرق لای نفی و لای نهی

هر دو می توانند سر تمام صیغه های فعل مضارع بیایند، اما فرق هایی دارند:

۱. لای نفی: وقتی سر فعل مضارع می آید، ظاهر فعل هیچ تغییری نمی کند و فقط ترجمه اش منفی می شود. مانند:
يَكْتُبُ: می نویسد؛ لَا يَكْتُبُ: نمی نویسد
هَمَّا تَكْتُبَانِ: آن دو می نویسند؛ هَمَّا لَا تَكْتُبَانِ: آن دو نمی نویسند
أَنْتَنْ تَكْتُبِينَ: شما می نویسید؛ أَنْتَنْ لَا تَكْتُبِينَ: شما نمی نویسید
أَنَا أَكْتُبُ: من می نویسم؛ أَنَا لَا أَكْتُبُ: من نمی نویسم

۲. لای نهی: وقتی سر فعل مضارع می آید، هم ظاهر فعل تغییر می کند، هم ترجمه اش (بالا در مورد ترجمه ی فعل نهی گفته شد).
تغییر ظاهری فعل این است که آخرش ساکن می گیرد، نون ها هم (غیر از جمع های مؤنث) حذف می شوند. مانند:
يَكْتُبُ: می نویسد؛ لَا يَكْتُبُ: نباید بنویسد
هَمَّا تَكْتُبَانِ: آن دو می نویسند؛ هَمَّا لَا تَكْتُبَانِ: آن دو نباید بنویسند
أَنْتَنْ تَكْتُبِينَ: شما می نویسید؛ أَنْتَنْ لَا تَكْتُبِينَ: شما ننویسید
أَنَا أَكْتُبُ: من می نویسم؛ أَنَا لَا أَكْتُبُ: من نباید بنویسم

حقیقی

